

آزادی فرهنگ و شبه فرهنگ
مجموعه
صفیر سیمرغ

ایران
را از یاد
نبریم

چهارده کتاب

از

محمد علی اسلامی ندوشن

کتابخانه

جام

جهان بین

زندگی در کشورشورهاها درباره آموزش
داستان داستانها
ابرزمانه ابرزلف
قدوین: محمدروایی



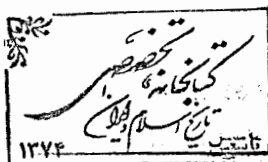


اسکن شد

معرفی چهارده کتاب

از

محمد علی اسلامی ندوشن



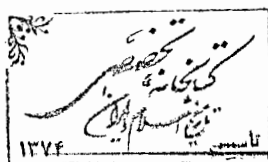
- معرفی چهارده کتاب
- از محمدعلی اسلامی ندوشن
- چاپخانه صبح امروز ، آذر ۲۵۳۶
- امور فنی : رجبعلی عبدلیان
- انتشارات توس : اول خیابان دانشگاه تهران

من از این که درسزمینی به دنیا آمده‌ام
که زبانش فارسی است، خود را بهره‌ور از
موهبت بزرگی می‌دانم و همواره شاکر و
قدردان بوده‌ام .

(از مقدمه آواها و ایماها)

برای من کلام ادبی رابط با دنیای خارج
است ، و می‌توانم گفت که بی آن معنی و جهت
زندگی را از دست می‌دهم .

(از حسب حال يك نویسنده ، کتاب گفتگوها)



کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند:

ایران را از یاد نبریم (چاپ هشتم)

به دنبال سایه‌های (چاپ هفتم)

ابر زمانه و ابر زلف (چاپ چهارم)

جام جهان بین (چاپ چهارم)

زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه (چاپ سوم)

داستان داستان‌ها (چاپ دوم)

آواها و ایماها (چاپ دوم)

فرهنگ و شبه فرهنگ (چاپ دوم)

صفیر سیمرغ (چاپ سوم)

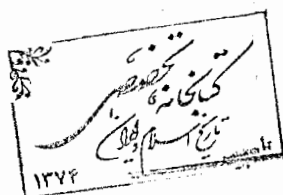
آزادی مجسمه (چاپ دوم)

در کشور شوراها (چاپ دوم)

گفتگوها

پنجره‌های بسته

درباره آموزش



توضیح ناشر

« انتشارات توس » از همان اوان تأسیس تصمیم براین داشت که به چاپ و نشر آثار نویسندگان و نخبگان ادب ایران همت گمارد و وقت و سرمایه خود را به نوشته هایی که در درجه اول ارزش و اهمیت نیستند صرف نکند. با این طرز تفکر از میان نویسندگان بزرگ و ارزنده معاصر نخست متوجه دکتر محمد علی اسلامی ندوشن و آثار شیوای قلمی او شد.

وی از سال ها پیش با انتشار مقالات جامع و نافذ خود در مجلات ماهانه (یغما، راهنمای کتاب و نگین) و بعدها کتابهای ایران را از یاد نبریم، وجسام جهان بین و غیره مقام شاخص و ممتاز خود را، چه در مقالات اجتماعی و چه در نقدهای ادبی، تثبیت کرده بود و وقتی پیشنهاد مؤسس توس را شنید با گشاده روئی نجیبانه که ذاتی ایشان است اجازه طبع و نشر غالب آثار خود را به توس واگذار کرد و این لطف برای مؤسسه نوپای توس از هر لحاظ شوق آور و دلگرم کننده بود.

چرا که می دانیم آثار اسلامی ندوشن از آن دست آثاری است که مردم دست به دستش می برند و ناشران معتبر و بزرگ، چاپ و تجدید چاپ آنها را اعتباری تازه در اعتلای جنبه کیفی نشریات خود به حساب می آورند

قوت تأثیر و نفوذ نوشته های اسلامی ندوشن قلمروی وسیع و گسترده دارد.

درین خوانندگان آثار او از دانش آموز دوره راهنمایی

می‌بینیم تا استاد دانشگاه ، از جوان آزاد اندیش تا روحانی عالی مقام.

اینهمه توفیق ، اینهمه قبول عام و خاص یافتن را علاوه بردانش و اطلاعات عمیق اسلامی ندوشن در فرهنگ و ادب گذشته و حال ایران و جهان ، باید در روشن بینی و حسن تشخیص و عیار انسانی این نویسنده دانست .

آثار اسلامی ندوشن برای نویسندگان جوان تر همیشه راهگشا بوده است و نثر او سالمترین و با قدرت ترین نثر معاصر فارسی شناخته شده است. و علاوه بر ایران، در میان فارسی دانان خارج از کشور نیز مقام کم نظیری یافته است .

در این جزوه چهارده کتاب از اسلامی ندوشن که از جانب انتشارات توس در طی همین سال جاری چاپ یا تجدید چاپ شده است ، معرفی می گردد . منظور فقط معرفی و عرضه است، و به همین علت از ذکر عبارت یا کلمه ای که کمترین بوی تبلیغ از آن بیاید خوداری گشت . حتی به درخواست نویسنده از نقل اظهار نظرهایی که در مطبوعات داخل و خارج راجع به کتابها شده بود صرف نظر شد .

در معرفی هر کتاب علاوه بر فهرست مطالب ، عبارت هایی از مقدمه نقل شد تا مبین روح و مفهوم کتاب باشد، و در پایان شرح مختصری درباره نویسنده افزوده گشت . اینک خوانندگان و کتابها :

هر کس که ز شهر آشنائی است

داند که متاع ما کجائی است

در خاتمه از آقای محمد روائی دیر ادبیات دبیرستان های پایتخت سپاسگزاری دارد که تنظیم این مطالب را برعهده گرفتند.

انتشارات توس

ایران را از یاد نبریم

به دنبال سایه همای

« در افسانه‌ها آمده است که «قُفنس» مرغی است خوش رنگ و خوش آواز که منقار اوسیس و شست سوراخ دارد و بر کوه بلندی در مقابل باد نشیند و صداهای عجیب از منقار او بر آید. گفته‌اند که هزار سال عمر کند و چون سال هزارم به سر آید و عمرش به آخر رسد هیزم فراوانی کرد آورد و بر بالای آن نشیمن گیرد و سرودن آغاز کند و مست گردد و بال بر هم زند، بدانگونه که آتش از بال او بجهد و درهیزم افتد و او در آتش خود بسوزد و از خاکسترش تخمی حادث گردد و از آن «قُفنس» دیگری پدید آید...»

«بین افسانه قُفنس و سرگذشت ایران تشابهی می‌توان دید. ایران نیز چون آن مرغ شکفت بی‌همتا بارها در آتش خود سوخته است و باز از خاکستر خویش زائیده شده.»

«در این چند سال من این احساس را داشته‌ام که ایران بار دیگر یکی از آن دوران‌های زاییدگی درمرک را می‌گذراند و در میان درد می‌شکفت...»

(از مقدمه چاپ نخست ایران را از یاد نبریم)

نخستین مقاله «ایران را از یاد نبریم» در سال ۱۳۳۷ در مجله

یغما انتشار یافت و پس از آن مقاله‌های دیگرش نیز به صورت سرمقاله در همان مجله نشر گردید.

چاپ نخست مقاله‌ها به صورت کتاب در بهمن ۱۳۴۰ انجام شد و جزو انتشارات «یغما» بیرون آمد. و از آن سال تا کنون چاپهای متعدد از آن صورت گرفته که آخرین آن طبع هشتم است. فهرست مقاله‌ها که نزدیک به تمام مسائل ایران معاصر را در بر می‌گیرد عبارت است از :

ایران را از یاد نبریم - فیروزی شکست خوردگان - ایران تنها کشور نفت نیست - مرد روز - نسل ملول - از آموختن چه حاصل - با فرهنگ و بی فرهنگ - ای کاش که جای آرمیدن بودی - روشنفکران بر سر دوراهی - اشاره‌ها - آدمیت و مقام - خوبی و بدی - ایران نیز حرفی برای گفتن دارد - ایران به چه کسانی نیازمند است - تهران - مرگ نیما - هفتاد سالگی سید محمد فرزاد.

اکثر این مقاله‌ها در مجله‌های متعدد یا کتابهای درسی نقل گردیده است.

در چاپ چهارم، کتاب «بدنبال سایه‌های» نیز که خود کتاب مستقلی بود به «ایران را از یاد نبریم» منضم گردید، زیرا بین مقاله‌های این دو کتاب ارتباط مستقیم بود.

اگر «ایران را از یاد نبریم» به موضوعات ایران می‌پرداخت «بدنبال سایه‌های» ارتباط ایران را با دنیای خارج، به خصوص دنیای غرب در نظر داشت و این نام از این جهت برای آن انتخاب شد که

عده‌ای درایر آن تصور می‌کردند که خوشبختی را تنها دردنیای غرب و از روی نمونه مغرب زمین باید جستجو کرد.

در مقدمه کتاب آمده است: « نام این مجموعه را « به دنبال سایه‌های » گذاردم که عنوان یکی از مقاله‌هاست و نیز از جهت آنکه دنیای امروز و از جمله کشور ما در تلاش تازه‌ای است برای جستجوی خوشبختی ، کشف خوشبختی ... »

« دنیای کنونی به دو دسته « گرانبارها » و « سبکبارها » تقسیم گردیده. گرانبارها در صنعت و پول غرق شده‌اند اما مردم شرق هنوز از موهبت سبکبار بودن برخوردارند و به کام گرداب کشیده نشده‌اند، بنابراین برای ایجاد نظم تازه‌ای در دنیا دروضع مناسب تری قرار دارند.»

« شرقی بودن و فقیر بودن نه گناه است و نه ننگ . گناه و ننگ آن است که جامعه‌ای خود را قابل احترام نداند، سرزندگی و عزت نفس خود را از دست بدهد ؛ مانند دنبال‌روها و وارفته‌ها به هر سویی می‌کشانند کشیده شود ... »

«روح تسلیم و تقلید کور کورانه و دلقکی در خود پیوراند و پیوسته بخواهد خود را فراموش کند و سرگرم شود . »
« به دنبال سایه‌های » حاوی مقاله‌های ذیل است:

به دنبال سایه‌های - جلوه تمدن - هلن زرین بدن امروز -
دموکراسی در شرق - نبرد رنگ - جواهر لعل نهر و - هند بی نهر و -
هند و تمدن صنعتی - مرد جوان و دریا - مرگ کندی - یادی از حقوق بشر ، انتظار زمین .

جام جهان بین

«شعر فارسی ، مهمترین منبع برای شناسائی قوم ایرانی و سیر فکر و ادراك او ، در دوران بعد از اسلام است؛ خلاصه و چکیده آنچه در طی هزار و اندی سال اندیشیده و کرده ، در کلام موزون جای گرفته...»

« شعر را در زمان خود همان وظیفه را انجام میداده اند که امروز مطبوعات بر عهده دارند. اینان از يك سو سخنگوی مردم و ترجمان احساس و ادراك آنها بوده اند و از سوی دیگر ، در خدمت قدرتمندان. بی جهت نیست که نظرهای متناقضی درباره شعر و شاعری بیان گردیده. گاهی شاعران را در ردیف اولیاء قرار داده اند و گاهی دروغگوترین دروغگویان شان خوانده اند . هر دو به جای خود درست است. شاعران در این سرزمین ، به عنوان قافله سالار فکر کشور خود ، تفکر مردم را در دو جهت خوب و بد به جلو رانده اند. در میان هجوم ها و ترکتازیها ، مظالم حکام بیگانه و خودی ، جهل عوام و «دکان» روحانیان متعصب یا مغرض ، شعر پناهگاه و گریز گاهی بوده است. مردم در جلوتیرهای حادثه ای که از هر طرف به جانب آنها افکنده می شده خود را در زیر سپر شعر کشیده اند. همین رواج بی حد و حساب شعر ، آن را بصورت درخت تناوری در آورده است که سایه گسترده و نگذاشته که نهال های

دیگر فکری. و ذوقی چنانکه باید رشد کند.»

«برای این امر، علل گوناگونی میتوان جست که ذکر آنها مستلزم مطالعه دقیق و مفصلی است. در اینجا به اشاره از دو علت اصلی یاد می کنیم :

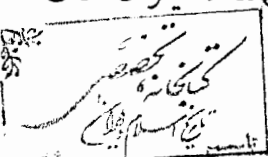
«یکی گرایش ذاتی قوم ایرانی به خیال پروری و نیازمندی به وزن و آهنگ که خود ریشه هایش را باید در وضع طبیعی و اقلیمی و خصوصیات نژادی او جستجو کرد. چون موسیقی و نقاشی از نظر دین ناروا شناخته شده بوده، این نیاز سراپا در شعر برآورد شده است.»

«دوم وضع خاص اجتماعی و حکومتی ایران که موجب گردیده تا بیان ضمیر، نه از طریق نثر که سرود و صریح و مستقیم است بلکه از طریق شعر، که لحنی کنایه ای و پوشیده دارد صورت گیرد.»

«مردم البته جرأت نمی کرده اند که آنچه در دل داشته اند بی پرده بگویند. وقتی قومی تا این حد به کنایه و مجاز و غلو و خیال پروری روی بردنشانۀ آنست که استقرار و امنیت و پیوستگی فکری خود را از دست داده، در تلاش و تکاپوست؛ در جستجوی تکیه گاهی است که سر خود را بر آن بیارماند...»

«... نتیجه آنکه ما هر کوششی برای شناختن گذشته خود بکنیم سر و کارمان نخست با شعر خواهد بود. مثلاً نمی توانیم تاریخ ایران را بنویسیم، بخصوص تاریخ اجتماعی و تاریخ تمدن و فکر او را، مگر آنکه در این توده عظیم دیوان های شعر به جستجو پردازیم...»

«... شعر فارسی در طی عمر هزار و صدساله خود ذخیره حیرت آوری از معانی گوناگون را در خود نهفته. میتوان گفت



که سینه گویندگان ما رقص گاهی بوده است که در آن اندیشه‌ها جز با هنجار و آهنگ به حرکت نمی‌آمده‌اند. موزون کردن کلام و دمیدن جان در تن لفظ خود وسیله‌ای بوده است برای گشودن راز زندگی، جستن اکسیر دانائی، و چیره شدن بر تاریکی. بهمین سبب است که من این مجموعه را جام جهان بین نامیدم. جام مظهر دانائی و آیت شعر فارسی و جلوه گاه اندیشه شاعرانه ایران بعد از اسلام است.»

(از مقدمه چاپ دوم)

«... ادبیات فارسی و فکر ایرانی در وضعی بوده است که بتواند با ادبیات و فکر سرزمین‌های مختلف در آمیزد و وجوه تشابه یا خویشاوندی‌هایی با آن بیابد که از همه مهمتر باید از هند و عرب و اروپا نام برد.»

«بنابر این پژوهش‌های تطبیقی در این مورد نه تنها برای سیراب کردن حس کنجکاو و حقیقت‌جوئی است، بلکه ما را بر ارزش آنچه داریم بهتر آگاه می‌کند و نیز از این حالت شورانگیز برخوردار می‌دارد که جز روم‌ها و پیچ و تاب‌های روح آدمیان را در دوره‌ها و سرزمین‌های مختلف در کنار هم بسنجیم...»

(از مقدمه چاپ سوم)

«جام جهان بین» بقول خود نویسنده مجموعه مقالاتی است در زمینه «آزمایش‌هایی در ادبیات تطبیقی و نقد ادبی» اینک چاپ چهارم در چهارصد صفحه با فزونی‌هایی نسبت به چاپ‌های پیشین در دسترس عموم است.

در این مجموعه کمتر مسأله‌ای هست که در ادبیات امروز

مطرح باشد و بحثی وافی در مورد آن به عمل نیامده باشد. مقالات، اغلب به صورت سخنرانی در مجامع ادبی و فرهنگی ایراد شده یا به صورت مقاله در مجلات معتبر انتشار یافته است.

مقاله سودابه و فدر بوسیله پرفسور نیکیتین در مجله Literature Comparée (ادبیات تطبیقی) چاپ پاریس ترجمه و منتشر شده.

ترجمه مقاله حافظ شاعر داندۀ راز، بوسیله مایکل هیلمن M.Hillman ایرانشناس امریکا صورت گرفته که در شماره بهار ۱۹۸۱ مجله The Muslim World چاپ امریکا منتشر شده است. این مقاله یکی از با ارزش ترین مقاله ها و بحث هایی است که در مورد حافظ، این شاعر داندۀ راز بقلم آمده است.

مقاله تأثیر اروپا در تجدد ادبی ایران متن سخنرانی ای است که در تابستان ۱۳۴۳ در برنامه مرزهای دانش ایراد گردیده و در مجله « راهنمای کتاب » نشر شده و ترجمه آن بزبان انگلیسی بوسیله Roy Mottahedeh استادیار ادبیات فارسی در دانشگاه پرینستون صورت گرفته و در مجله Middle East Journal منتشر شده است.

جام جهان بین در بعضی از دانشگاه ها و مدارس عالی، کتاب درسی بوده است.

فهرست مطالب چاپ چهارم کتاب چنین است :

مقدمه چاپ دوم - مقدمه چاپ سوم - مقدمه چاپ چهارم -

ادبیات در عصر فضا - خواننده و نویسنده - سودابه و فدر - ویس - ویس و -

ایزوت - خیام و فردوسی - خویشاوندی فکری ایران و هند - حافظ،
شاعر داندۀ راز - تأثیر اروپا در تجداد ادبی ایران - یک سر نوشت ممتاز -
جهان بینی ابوالفضل بیهقی - آیا ویس و رامین یک منظومۀ ضد اخلاق
است ؟ - ادبیات و اخلاق - ادبیات ایران و اخلاق - اندیشۀ افریقا از
نظر سدار سنگور.

ابر زمانه و ابر زلف

(نمایشنامه در چهار پرده)

ابر زمانه و ابر زلف ، نخستین بار از شهر یور تا بهمن ۱۳۴۲ در مجله « راهنمای کتاب » انتشار یافت ، و سپس در ۱۳۴۴ جزو انتشارات مجله یغما به صورت کتاب نشر شد .

در مقدمه چاپ دوم آمده است « خمیرمایه این اثر از ماجرای « کریستین کیلر » گرفته شده بود که سرو سِراوِیا دو قن از مردان صاحب مقام ، وی را در ظرف چند روز به صورت نامدارترین زن روز در آورد »

و در دنباله آن می خوانیم: « من قصد نداشته ام که شرح هر زم کردیهای این زن را بنویسم . . . آنچه برای من معنی دار بود خود « واقع » بود نه نحوه جریان آن . من آن را مانند « زیبی » مانند « دید گاهی » به کار بردم تا از پشت آن گوشه ای از دنیای امروز را ببینم »

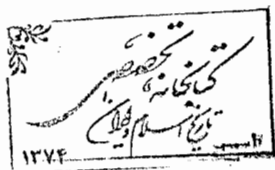
« کسانی که در این نمایش بازیگر هستند ، آن گونه نیستند که در عالم واقع بوده اند . هر يك از آنان به عنوان نماینده و نمونه دنیای خود انتخاب شده است (دنیای غرب ، دنیای شرق و دنیای

فقیران) اما آنان در این نمایندگی راه ارتداد را پیموده‌اند ...»
« ... این نوشته را نه برای آوردن روی صحنه ، بلکه برای خواندن نوشته‌ام .»

«در واقع قصد من طرح بعضی مطالب بود که در قالب « گفت و شنود » بیان گردید .»

«من از روی عمد از آئین رایج نمایشنامه نویسی انحراف جستیم و از ایجاد «اثر یگ» و صحنه سازی و برویا پرهیز کردم ، برای آنکه کلمات برهنه و بی تکلف جلوه کنند و خاصیت خود را بهتر بنمایند»
این نمایشنامه پس از انتشار، به زبان آلمانی ترجمه شد و در سال ۱۹۶۴ در آلمان نشر گردید. تلویزیون برلن غربی پیشنهاد کرد که آن را به صورت يك نمایشنامه تلویزیونی روی صحنه بیاورد ، بشرط آنکه نویسنده تغییراتی در آن بدهد که با چنین منظوری منطبق شود . ولی نویسنده نپذیرفت که تغییری در آن راه یابد .

ابر زمانه و ابر زلف که چندین سال نایاب بود اکنون به صورت افسیت تجدید چاپ شده است .



۵

زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه

« در زبان فارسی چند کتاب هست که طی قرن‌ها قوت روان قوم ایرانی بوده است؛ یکی از آن‌ها و برتر از همه آنها شاهنامه فردوسی است. »

« پیوند مردم با سواد و حتی کم سواد ایران با آثار بزرگ ادبی خود پیوندی مستمر و همراه با ارادت و اعتقاد بوده است، تنها در دوران ماست که این پیوند سستی گرفته، و به همین سبب است که مادرین تحصیل کرده های کشور خود که بعضی از آنها مدارک معتبر علمی یا مقام های مهم هم دارند با اینهمه روح های عبوس و نازا و حریص و ناآرام برمی خوریم. این روان‌ها، چون نهال‌هایی که آفتاب ندیده باشند، از جوهر حیات بی بهره مانده‌اند .. »

(از مقدمه چاپ اول کتاب)

« اگر بخواهیم بگوئیم که مهم‌ترین خصوصیت شاهنامه چیست که آن را در میان کتاب‌های فارسی بی نظیر کرده، و در ردیف چند کتاب بزرگ دنیا قرار داده است؛ باید بگوئیم که کتابی است « برگزیده »، یعنی هنگام خواندن یا شنیدن آن ما را از جایی که

هستیم برتر می برد ، به بلندی سوق می دهد ..»

(از مقدمه چاپ دوم)

نخستین مقاله « زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه » تحت عنوان « سودابه وفدر از نظر فردوسی و راسین » در اردیبهشت ۱۳۳۵ در مجله سخن انتشار یافت که باب تازه ای را در تحلیل شاهنامه و ادبیات تطبیقی می گشود.

مقاله دوم تحت عنوان « ضحاک ماردوش » بود که در شماره دی ۱۳۳۱ مجله راهنمای کتاب نشر شد. آنگاه دنباله کار گرفته شد و هفت پهلوان که دارای شخصیت های متفاوت بودند مورد تحلیل قرار گرفتند، بدین صورت : یک پادشاه بد (ضحاک)، یک پادشاه خوب (فریدون)، یک شاهزاده شهید (سیاوش)، یک شاهزاده ناکام (فرود)، یک سردار بزرگ تورانی (پیران)، یک جهان پهلوان (رستم)، و یک پهلوان ایرانی تاریخی (بهرام چوبینه)

انجمن آثار ملی به مناسبت تجدید بنای آرامگاه فردوسی ، این مقاله ها را به نام « زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه » در اردیبهشت ۱۳۴۸ به صورت کتاب نشر داد . چاپ دوم آن را یک سال بعد « انتشارات ابن سینا » منتشر کرد و اینک چاپ سوم آن نشر می شود. کتاب دارای مقدمه ای است در ۱۲۸ صفحه، تحت عنوان « شناخت فردوسی » که حاوی مطالب ذیل است :

چرا فردوسی به فکر سرودن شاهنامه افتاد - مدح و ذم محمود - چرا محمود فدر فردوسی را شناخت - فردوسی چگونه کسی است - حقیقت افسانه ها - چرا فردوسی شاعر بزرگی است - بی اعتباری

جهان واغتنام وقت در شاهنامه - مردان و زنان شاهنامه.

در این قسمت سعی شده است که شخصیت فردوسی و روح شاهنامه در حد ممکن معرفی گردد.

«زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» پس از انتشار در بعضی از مدارس عالی و دانشگاه‌ها کتاب درسی قرار گرفت و در سال ۱۹۷۲ سازمان یونسکو در برنامه مشارکت «Participation» خود آن را برای ترجمه به زبان فرانسه انتخاب کرد و اکنون در دست ترجمه است.

۶ داستان داستان‌ها

رستم و اسفندیار

زین همزهان سست عناصر دلم گرفت
شیر خدا و رستم داستانم آرزوست
مولوی

«داستان رستم و اسفندیار نه تنها در شاهنامه، بلکه در ادبیات فارسی، خودستونی از فکر است، یکی از چهارستونی که کاخ اندیشه ادبی ایران را بر سر خود نگاه می‌دارند...»

«در قسمت تأمل در رستم و اسفندیار کوشیده‌ام تا جوهر اصلی داستان را بنمایم. استنباط‌هایی را که از این داستان داشته‌ام نمی‌گویم درست همان است که افسانه پردازان کهن و یا شخص فردوسی در نظر داشته‌اند. لیکن از اینکه هر حرف یا عقیده‌ای را مبتنی بر دلیلی بکنم، و از وسوسه ادعای شخصی بر کنار بمانم غفلت نورزیده‌ام.»

«در اینجا دلایلی از تاریخ یا افسانه عرضه کرده‌ام؛ تاریخ، از جهت آنکه داستان «رستم و اسفندیار» مقدار زیادی از تبلور تاریخ ایران را در خود نهفته دارد و افسانه، از جهت آن که ته نشین معتقدات و آرزوها و رؤیاهای مردم باستانی است و از این رو ارزش روشنگریش اگر بیش از تاریخ نباشد، کمتر نیست...»

«گر چه این کتاب در آغاز به قصد دانشجویان درس فردوسی

پی ریزی گردید ، اندك اندك از صورت كتاب درسی محض خارج شد و راه درازتری در پیش گرفت . با این حال من در هر کلمه‌ای که می‌نوشتم ، دانشجویان و جوانان را در برابر چشم داشتم و امیدوارم که این کوشش ناچیز بتواند رغبت خواندن شاهنامه و میل به اندیشیدن و وسع نظر و استحکام شخصیت و دوست داشتن زیبایی و مردانگی را در آنها افزایش دهد ...»

« از مقدمه کتاب »

و تفسیر داستان بدینگونه آغاز می‌شود : « داستان رستم و اسفندیار حاوی تعدادی از مهم‌ترین مسائلی است که در برابر انسان دنیای باستانی قرار داشته است ، و عجیب این است که هنوز هم این مسائل تازگی خود را از دست نداده اند . تاروپود ماجرا تر کیب گرفته است از يك سلسله بر خورد : بر خورد آزادی و اسارت ، پیری و جوانی ، کهنه و نو ، تعقل و تعبد ، بر خورد سر نوشت با اراده انسان ، و در پایان بر خورد زندگی و مرگ ...»

داستان داستان‌ها حاوی مطالب ذیل است :

مقدمه - متن شاهنامه (رستم و اسفندیار) - تأمل در رستم و اسفندیار ، حاوی : تحلیل شخصیت رستم و اسفندیار ، گشتاسب و چند پهلوان دیگر .

سپس بحثی درباره تیره‌های سه گانه فکر : تیره رستمی فکر - رستم و سیاوش ؛ تیره اسفندیاری فکر - تیره گشتاسبی فکر .

ضمائم - توضیحی راجع به بعضی از لغات - واژه‌نامه - نام‌های کسان و جایها - کتابنامه .

چاپ نخست کتاب در ۳۲۲ صفحه در سلسله انتشارات انجمن
آثار ملی به سال ۱۳۵۱ انتشار یافت

کتاب با این جملات پایان می‌یابد:

« در سراسر این اثر ، خرمین کلمات مانند موج نیرومندی است
که ما را در بر بگیرد و لبریز و گرانبار شویم ، درست نمی‌دانم از چه : از
مستی زندگی یا از کشش مرگ . در چنین حالتی فاصله مرگ و
زندگی از میان بر می‌خیزد ، نیاز نوشیدن نور است از پستان
خورشید »

آواها و ایماها

« ادبیات فارسی بدحدی پهناور است که یادآور آن حوری بهشتی می گردد که يك پایش در مشرق است و يك پایش در مغرب، و روضه خوانها و صفش را برای ما می گویند و طبیعه چنین مجبوبي را نمی توان سراپا درسینه فشرد. با این حال، رابطه من با ادبیات فارسی رابطه عاشق و معشوق بوده است که بی آنکه قید قانونی ای آن دورا به هم وابسته کند، هر وقت می خواهند به سراغ یکدیگر می روند؛ پیوندی آزاد و شاد، پراز طراوت و شور... »

« زبان فارسی نه تنها دارای چند شاهکار بی نظیر است (که چون قابل ترجمه نبوده اند، تنها فارسی زبان ها می توانند به عمق ارزش آنها پی ببرند) بلکه اهمیت یگانه دیگری نیز دارد و آن اینست که همه بار ادراک و احساس قوم ایرانی را در طی هزار و یکصد سال تاریخ بردوش کشیده. زبانهای دیگر این بار را با هنر، که نقاشی و موسیقی و مجسمه سازی باشد تقسیم می کرده اند ولی چون هنرها در ایران بعد از اسلام مجال خود نمائی نمی یافته اند زبان شعر جور کش همه شده است. »

« بنابراین وقتی آثار ادبی فارسی را می خوانیم به تأثرهای ناشی

از نقاشی و موسیقی نیز دست می‌یابیم؛ نقش و آهنک نیز در اینجا تبدیل به کلام شده‌اند.

«مامانند خانواده های تك فرزندی هستیم که همه چیز در همین يك فرزند نهاده شده و همه چیز را باید در همین يك تن جست. از این رو بعضی از غزل‌های مولوی و سعدی و حافظ تا حد معجزه آسائی بعد نقشی و صوتی به خود می‌گیرند و تموج حرف‌ها و صوت‌ها و هماغوشی نگارین کلمات مارا می‌برند به دنیای قوس قزحی پریها.»

«این غزل‌ها مانند غار افلاطونند، از این سو که نگاه کنیم پرتوئی از زندگی هستند، از سوی دیگر که نگاه کنیم خود زندگی؛ هم زندگی هستند و هم نیستند. خاك و افلاك در آنها سربه هم آورده و همه چیز پرنیانی شده است. ما چون در كهواره عظیمی از حریر از این افق به آن افق رانده می‌شویم و بازی کردیم.»

«از نظر محتوای ادبیات فارسی باری بیش از آنچه عاده بر عهده ادبیات نهاده شده بر پشت دارد: تاریخ احوال جامعه، سیر فکر، و بطور کلی جریان‌های پنهانی و همه جنب و جوش‌های روانی مردم، در کتابهای ادبی جای گرفته‌اند...»

«علت به نظر من دو چیز است یکی آنکه بهترین استعدادها از آن شاعران بزرگ بوده است، یا به عبارت دیگر بهترین استعدادها در شعر پناهگاه می‌جسته‌اند. اینان با آنتنی که می‌داشتند به قول خودشان گاهی تا به آستانه «وحی» نزدیک می‌شده‌اند و آسان‌تر و چالاک‌تر می‌توانسته‌اند حقایق زمان خود را بگیرند و در کلمات

غیرمتداول که زبان شعر بود جای دهند.»

«علت دوم آن است که گفتن حقایق در شرعادی و در زبان غیر شاعرانه بسیار دشوار می نموده و نه تنها دستگاه حاکمه و عوام، بلکه خود نویسندگان هم اجازه چنین گستاخی را به خود نمی داده اند.»

«شاعر، به کمک ایهام و استعاره و زبان شاعرانه که زبان متخیل و هاله دار بوده، اجازه بیان حقایق نیمه عریانی به خود میداده است. عذر شعر تا حدی خواسته بوده و شنوندگان نیز کم و بیش تحمل می کرده اند و زبان آنان را گاه به زبان انبیاء و گاه به زبان مجانین نزدیک می دانسته اند و هر یک از این دو حال آنان را از تعاقب معاف می کرده.»

«می توان گفت که نوعی سازش پنهانی بین مردم و شاعران بوده که شاعر به شرط آنکه زبانش از بیان خاصی خارج نشود حق گفتن ناگفتنی هائی داشته باشد.»

«مقدمه چاپ اول»

«آواها و ایماها» مجموعه مقالاتی است در حال و هوای «جام جهان بین» و جلد دومی بر آن قرار می گیرد. کتاب علاوه بر مقدمه حاوی مقالات ذیل است:

بوی در نزد حافظ.

زن در شاهنامه (دوره پهلوانی).

تولستوی، مولوی دوران جدید.

حماسه انسان والا در مثنوی مولانا.

ویس و رامین و شاهنامه.

ساندور پتوفی ، شاعر مجار .

فردوسی و همر ، پیوند فکر و شعر در نزد ناصر خسرو

غزلسرائی امیر خسرو ،

دقیقی و فردوسی

بیشتر مقالات ابتدا در مجامع فرهنگی به صورت سخنرانی

ایراد گردیده، سپس در مجله‌ای انتشار یافته و اینک در این مجموعه
جای گرفته‌اند.

فرهنگ و شبه فرهنگ

«درباره فرهنگ نسبت حرف زیاد زده می شود ولی حرف داریم تا حرف. بعضی حرف ها برای آن است که فقط حرف باشد، بعضی برای آنکه نبودن عمل را پیوشاند و بعضی دلسوزیها نیز یادآور این داستان مثنوی میشود که کودکی در بغل سیاهی بود و گریه می کرد؛ سیاه برای آرام کردنش او را نوازش می کرد و هرچه بیشتر نوازش می کرد کودک بیشتر گریه می کرد، غافل از آنکه بچه از خود او می ترسد...»

«... در وضعی که ما هستیم و دوران تحولی را که خواه ناخواه و به همراه دنیا در پس گردونه تاریخ می پیمائیم، سکوت درباره فرهنگ سرباز زدن از وظیفه انسانی است.»

«اگر بحرانی در دنیای امروز باشد بیش از بحران اقتصاد و پول و نفت و نیرو، بحران فرهنگ است...»

«چه فایده که همه کارخانه ها خوب کار بکنند، مگر کارخانه وجود انسان؟»

«... آنچه در این رساله آمده امیدوارم که سوء تفاهم برای کسی ایجاد نکند. نه خدای نکرده اسائه ادب به تراکتور است

ونه مدح گاو آهن، تنها یادآوری و درخواستی است که کسانی هم در خانه هستند و ولو می خواهیم بهشت بسازیم کمی آرام تر، لزومی ندارد که سقف بر سر آنها فرود آید.

(از : سر آغاز چاپ اول)

و در مقدمه چاپ دوم آمده است ؛

« آنچه از گوشه و کنار دربارهٔ « فرهنگ و شبه فرهنگ »

گفته اند توضیح دو نکته کلی را ایجاب می کند :

« یکی آنکه در تعریف فرهنگ و مبانی آن چنانکه باید

صریح و دقیق نبوده ام . جواب آن است که این تعریف در نقطه های

مختلف کتاب پراکنده است و اگر به صراحت بیشتر نپرداختم

برای آن است که معتقد نیستم که فرهنگ بتواند به شأن خاصی از

زندگی محدود بماند و در دایره تعریف محصور و کوتاهی بگنجد .

دیگر آنکه به نتیجه گیری نپرداختم . گمان می کنم که این معنی

نیز می تواند از کتاب استخراج گردد، ولو به صراحت در جای خاصی

به قلم نیامده باشد و این نیز خالی از عمد نبوده.

« در این کتاب ، چون بعضی از نوشته های دیگر به زبان اشاره

اتکاء داشته ام . اشاره اگر در مواردی رساتر از تصریح نباشد نارساتر

نیست زیرا سری به منبع فیض قوه تخیل خواننده دارد ... »

مقالات کتاب به ترتیب ذیل است :

بودن یا نبودن فرهنگ ؟

زبان ، فکر و پیشرفت .

بر زمین لرزان فرهنگ .

یادداشت‌های دیگر... «گفت از حمام گرم کوی تو».
دنیای دوفرهنگ.
الوهیت ابزارها.

مقاله «بودن یا نبودن فرهنگ» قبلاً در شماره‌های خرداد و
تیر و مردادماه ۱۳۴۹ مجله یغما و مقاله زبان، فکر و پیشرفت (متن
سخنرانی‌ای است که در سمینار آموزش زبان فارسی آذر ۱۳۵۰
ایراد گردیده) در شماره آذر ماه ۱۳۵۰ مجله نگین انتشار یافته
بوده است.

صغیر سیمرغ

«یادداشت‌های سفر»

اسلامی ندوشن سفرهای متعدد داشته است که از همه آنها یادداشت برداشته و به تدوین بعضی از آن یادداشت‌ها پرداخته که تا کنون سه سفر نامه از آنها بیرون آمده است. عقیده خوانندگان بر این بوده است که اوسبک و لجن خاصی در سفر نامه نویسی ایجاد کرده است که تا کنون سابقه نداشته. در مقدمه «صغیر سیمرغ» می نویسد:

« هر سفر دل بستنی است و دل کندن، که یکی از پی دیگری می آید و همین تسلسل و تداوم دل بستن ها و دل کندن ها است که شور انگیزی سفر را موجب می گردد.»

«خصوصیت دیگر سفر آن است که در ورای تازگیهایش می نماید که هیچ چیز تازه در دنیا وجود ندارد؛ با همه تفاوت اقلیم ها و منظرها طبیعت همه جا به هم شبیه است، و انسان ها نیز به هم شبیه اند، هر چند در زبان یا سیما یا رنگ پوست متفاوت باشند.»

«از فروغ که بگذریم، آدمیزاد در هر نقطه دنیا که باشد مسائل محدود و خاص دارد: جدائی و مهر، تنهائی و انس، دوستی و دشمنی، زشتی و زیبائی و جوانی و پیری و بیماری؛ غم نان، آرزوهای دراز و

عمر کوتاه، و آنگاه مرگ که پایان پایان هاست؛ و از همه عظیم تر است و بر هر عزیمتی نقطه انتها می نهد، و اگر زندگی بزرگ است؛ برای آن است که مرگ به دنبال آن است و بدون دریافت یکی، دیگری را نمی توان دریافت؛ و باز لطف سفر در آن است که حدیث زندگی و مرگ را از زبانهای گوناگون می توان شنید.

«و آنگاه در قبال فرد، و در مجموعی از فرد، جامعه را می بینیم که او نیز دنیای خود و مسئله های خاص خود دارد. می بینیم که چگونه سامان یافته است، و در او، رابطه بین فرمانروا و فرمانبر چیست، و چه راه حل هایی برای زندگی یافته شده است و چه اصولی بر زندگی حاکم است و مواهب خاک را چگونه تقسیم می کنند؛ و خلاصه کاروان بشریت در این جامعه ها به چه سوئی روان است.»

«و این جامعه ها را از سه صورت خارج نمی بینیم یکی آنها که قانون و اخلاق بر آنها حکومت می کند، دوم آنها که قانون بر آنها بیشتر حکومت می کند و اخلاق کمتر؛ سوم آنها که زور بر آنها حکومت می کند و قانون و اخلاق در درجه بسیار ضعیفی است؛ و در نظام این دسته سوم است که بدترین افراد از میان مردم، اداره کشور را در دست دارند؛ و تأثیر انگیزترین منظره، دیدن کشور زیبا و گرانمایه ای است، اسیر در دست مشتی سفله، در حالی که بقیه مردمش حیرت زده و دلمرده شبی را به روز می رسانند و چه بسا که زندگی را بر همدیگر تلخ می کنند.»

«سفر رفت و باز گشت است، نه تنها سیر در مکان، بلکه در زمان نیز. پس از پویش ها بازمی گردیم به همان نقطه ای که از آن عزیمت کرده ایم. هر نقطه، هم عزیمت گاه است و هم باز گشت، زیرا سیر اصلی در خود

است و به هر کجا برویم از خود نمی‌توان جدا شد؛ سیر بیرونی، سیر درون را برمی‌انگیزد، و این سیر، رها شدن در خود است، غوطه زدن در خود؛ کشف اقلیم‌ها و افق‌های ناشناخته درون...»

در چاپ سوم مطالب مربوط به امریکا از این دفتر جدا گردید و در مقابل دو مقاله «گذاری دیگر به اصفهان» و «گلپانگ مسلمانان در لندن» بر این کتاب اضافه شد.

فهرست مطالب چاپ سوم به ترتیب ذیل است:
سر آغاز چاپ نخست.

در جستجوی زمان‌های گمشده.

افغانستان بهشت یا زندان؟ - دانمارک،

برخورد گاه شرق و غرب

ترکیه -

پاریس -

نیشابور و خیام.

بهار در اصفهان.

گذاری دیگر به اصفهان.

گلپانگ مسلمانان در لندن.

آزادی مجسمه

(یادداشت‌های سفر امریکا)

آزادی مجسمه با یادداشت‌های سفر امریکا شروع شد و بعد نوشته‌های دیگر مربوط به ایالات متحده امریکا بر آن اضافه گردید. سفر نویسنده به امریکا در تابستان ۱۳۴۶ به دعوت دانشگاه هاروارد صورت گرفت، و در پائیز همان سال نخستین سلسله مقاله‌ها درباره این سفر در مجله یغما نشر شد. چهار سال بعد، در تابستان ۱۹۷۱ به دعوت دانشگاه ویسکونسن سفر دیگری به امریکا کرد و پس از بازگشت چند یادداشت دیگر بر یادداشت‌های قبلی افزود و همه آنها را در سال ۱۳۵۲ با اضافه سفر نامه‌های دیگر در کتاب «صفر سیمرغ» جای داد.

در این چاپ جدید چون مطالب تازه‌ای بر مبحث امریکا افزوده شده بود ترجیح داده شد که همه آنها از «صفر سیمرغ» جدا گرد و خود کتاب مستقلی شود. مطالب اضافه شده عبارت است از خاطره‌ای از کیسینجر ترجمه مقاله‌ای از ویلیام دو کلاس، قاضی امریکائی-فصلی راجع به آموزش عالی و دانشگاه‌های امریکا، یادداشت‌های کمبریج، و نیز متن سخنرانی ایراد شده از جانب نویسنده در دانشگاه هاروارد.

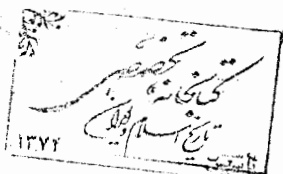
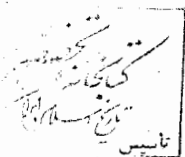
در ضمن مقاله اول آمده است: «شناسائی امریکا برای هر کس که احساس مسؤولیت بکند و به سر نوشت کشور خود و دنیا علاقمند باشد، ضروری است؛ زیرا امریکا بیشتر از هر سر زمین دیگر در وضع جهان امروز مؤثر است، و هیچ کشوری، هر چند کوچک و دور افتاده، نمی تواند وزنۀ آن را بر سینه خود احساس نکند. با آنکه بیشتر از هر کشور دیگر در سراسر دنیا حضور دارد، و با آنکه درباره او بیشتر از هر کشور می توان خواند و دید و شنید، باز غبار رمزی گرد سر اوست...»

«از همین رو چون پیرسند که امریکا چگونه جائی است، جواب روشنی نمی توان داد. تنها پاسخ کوتاهی که من یافته ام این است: «امریکا کشوری است بزرگ و آباد و ثروتمند که تعدادی مردم بسیار خوب در آن زندگی می کنند و تعدادی مردم بسیار بد، و تعداد کثیری مردم بی خبر. و وضع طوری است که بدها می توانند از بی خبری بی خبرها استفاده بکنند...»

«می دانم که از آنچه درباره امریکا خواهم گفت نه بسیاری از دوستان امریکا خوششان خواهد آمد و نه بسیاری از دشمنان او. چه، امریکا این بدبختی را دارد که از حیث دوست و دشمن کامروا نباشد: کسانی که خود را دوست او می خوانند، اکثراً آتیهائی هستند که طمع جاه و مال از او دارند، و بنابراین، بر دوستی آنها اعتمادی نیست؛ و کسانی که دشمن او هستند، دشمنی خود را غالباً با احساسات تند و تعصب همراه می کنند...»

«اما دستۀ سومی هستند که جز و افراد خوب و حساس و روشن بین دنیا هستند. اینان بی آنکه با امریکا خصومت شخصی داشته باشند،

با بسیاری از روش‌ها و رفتارهای او مخالف‌اند، زیرا می‌بینند که قدرت و ثروت این کشور، در موارد متعدد در راهی به کار افتاده که موافق با اصول انسانی نبوده .. « قضاوتی که در این کتاب راجع به امریکا شده است یا متکی بر گواهی صاحب‌نظران معتبر امریکائی است، و یا ناشی از مشاهدات نویسنده بدانگونه که کسی نتوانسته است در صراحت و بیطرفی آن‌ها شک کند.



در کشور شوراهای

(یادداشت های سفر شوروی)

« اتحاد جماهیر شوروی کشوری است که بر سر آن حرف زیاد زده شده است ، موافق و مخالف .»

« زمانی نه چندان دور ، هیجان انگیزترین کشورهای دنیا بود و هنوز نیز از آن مرحله خیلی دور نیست .»

« گفتم که دوست و دشمن درباره شوروی زیاد حرف زده اند ولی من در این کتاب کوشیده ام که نه این باشم و نه آن؛ حالتی برتر از دوستی و دشمنی هست و آن ینش به انصاف است ، و این ، به اندازه ای گرانهاست که به آسانی نمی توان پابر سر آن نهاد ...»

« ... آنچه در این کتاب آورده ام مربوط است به آنچه دیده یاشنیده ام . از ندیده ها یانیم دیده ها ، ولو بسیار با اهمیت بودند سخن به میان نیاوردم ...»

« اما راجع به دیده ها و شنیده ها کوششم بر این بوده است که از حقیقت دور نیفتم . در موارد بسیار بنای استنباط من بر حدس و استشراف و همدلی انسانی بوده است؛ مانند دنیای سربستگان می بایست از یک نگاه ، یک حالت ، یک سکوت ، یا یک آهنگ صدا ، دریابم که در کنه

چه می گذرد. آرزویم آن بود که به جوجوهرزندگی در آن دیار دست یابم که از مجموع برخورد طبیعت و مردم و هنر، و کهنه و نو و نجوای شهر هستی می گیرد؛ چون آلت های مختلف موسیقی کنه همراه با هم به صدا درمی آیند و یک آهنگ بیرون می آورند، و این آهنگ یگانه مرکب شده از برخورد چند گانه، جان کلام است.»

«با این حال، آن گونه نیست که ابهامی باقی گذارده یا تا حد وسواس رعایت امانت نکرده باشم. هر جا ابهام یا کنایه ای است عمد بوده است. خواسته ام خواننده را در دریافت آزاد بگذارم.»

(از سر آغاز چاپ نخست)

این سفر از ۲۸ مهر تا ۲۷ آبان ۱۳۵۲ طول کشیده و در طی آن نویسنده از شهرهای مسکو و لنین گراد و دوشنبه و تاشکند و بخارا و سمرقند دیدن کرده است.

فهرست مطالب کتاب به ترتیب ذیل است :

مسکو - لنین گراد - دوشنبه - تاشکند - بخارا - سمرقند - بازگشت به تاشکند - انسان نو.

در آخرین فصل این کتاب آمده است :

«روسیه شوروی که نخستین کشور سوسیالیستی دنیاست از جهات متعدد سرزمین دیدنی ای است، اما من بیش از هر چیز بدان قصد بدانجا رفتم که انسان نو را بینم، انسانی که گورکی بالحن حماسه وار ظهورش را بشارت می داد و می گفت که : پینه ای در مغزش نیست ... و مانعی در برابر شکفتن استعدادهایش وجود ندارد ... و خود را بسی پناه نمی بیند ...» گمان نمی کنم کسی باشد که پیشرفت های علمی و صنعتی

اتحاد جماهیر شوروی را بادیده تحسین و اعجاب ننکرد. نظام دیگری
جز نظام سوسیالیستی نمی توانست در مدتی بدین کوتاهی به این همه
توفیق دست یابد، آن هم به رغم مصیبت های سه جنگ ...»
«... دستگاه جدید سازمان تازه ای به جامعه شوروی بخشید
که این سازمان، بعضی از عیوب جامعه بورژوازی را برطرف کرد
اما بدان قدرت نبود که انسان نو بیافریند...»

این سه کتاب در دست انتشار است

۱۲

گفتگوها

(مصاحبه‌های مطبوعاتی)

گفتگوهاست در این راه که جان بگذازد

هر کسی عریده این که مبین آن که می‌رس

«حافظ»

«گفتگوها» شامل یازده مصاحبه مطبوعاتی است که در طی یازده سال اخیر بانویسنده صورت گرفته است و می‌شود گفت که مسائل عمده مطرح در جامعه ما را دربر می‌گیرد.

در مقدمه آن چنین آمده است: «پاسخ به سؤال و انجام مصاحبه مطبوعاتی بهیچ وجه دلیل بر آن نیست که پاسخ دهنده با خط مشی و شیوه سیاسی و اجتماعی نشریه سؤال کننده موافق باشد. سؤالی است جوابی. نشریه بر وفق سلیقه و مشرب خود سؤال می‌کند، و پاسخ دهنده بر وفق مشی و مشرب خود جواب می‌دهد، و در این میان داور اصلی خواننده است...»

نیز: «پاسخگوئی به این سؤال‌های گوناگون بدان معنا نیست که من در همه این رشته‌ها خود را دارای تخصص یا بصیرت می‌دانسته‌ام. نه، من به حریم هیچ تخصصی راه نیافته‌ام، زائری هستم و رهروی در

وادی اندیشه و دریافت ، و کوشیده‌ام تا با پشت پا زدن به بسیاری از تعلقات ، خود را نسبت به وصول تجلی و بارقه فکر آزاد باز و مهیا نگه دارم :

شستشوئی کن و آنکه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده .

در این مصاحبه‌ها که از جانب چند روزنامه و مجله هفتگی و ماهانه صورت گرفته است ، مسائل مختلف مربوط به ادبیات قدیم ایران، ادبیات معاصر ، نقد، جوانان ، عشق، زن ، فرهنگ، آموزش، برخورد تمدن شرق و غرب ، خاطره‌هائی از صادق هدایت و حسب حال شخص نویسنده مطرح گردید است .

پنج‌جمله‌های بسته

این کتاب شامل چند داستان و چند قطعه کوتاه منشور است. نویسنده در مقدمه آن می‌نویسد: « نخستین داستان این مجموعه که «زندگی» نام دارد در سال ۱۳۲۴ بر قلم آورده شده است، و آخرین قطعه آن (اطاق پائین) در ۱۳۴۹؛ بنابراین يك دوره بیست و چهار ساله این نوشته‌ها را در بر می‌گیرد. فاصله زمانی ای که میان هر يك از آنها افتاده، و نیز متفاوت بودن اوضاع و احوال، سبك و موضوع متفاوت به اینها بخشیده است. »

اسلامی ندویشن که در اکثر نوشته‌های خود بیان مستقیم انتخاب کرده بود، در این کتاب (به اضافه نمایشنامه ابر زمانه و ابر زلف، و يك رمان که با نام مستعار چاپ شده) بیان غیر مستقیم، یعنی بیان داستانی در پیش گرفته است.

در مقدمه کتاب توضیحی راجع به بیان مستقیم و غیر مستقیم آمده است، و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: « هر دو شیوه در کنار هم بوده‌اند و خواهند بود؛ مکمل یکدیگر اند، نه معارض. این، بر نویسنده است که یکی از این دورا که با استعداد خویش و طبع زمان و ادای مقصود سازگار تر می‌بیند، انتخاب کند. غرض گفتن است، و

اگر توفیق باشد ، خوب گفتن ؛ بقول بیهقی « تیر را بر نشانه نهادن » ،
همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت ..»

«ماجرای دوداستان درپاریس می‌گذرد، و سه داستان دیگر از خاطره‌های کودکی نویسنده در ندوشن سرچشمه گرفته‌اند، و گوشه‌هایی هستند از زندگی ساده و مشقت‌بار روستائی».

قطعه‌های منشور نیز در زمان‌ها و زمینه‌های متفاوت نوشته شده ،
و هر يك، از دورانی خاص از عمر رنگ پذیرفته‌اند .

درباره آموزش

«درباره آموزش» نخست به صورت سخنرانی در دبیرستان خوارزمی تجریش ایراد گردید. و متن آن پس از آنکه از نواد استخراج شد تحت عنوان «آموزش و شبه آموزش» در شماره‌های اردیبهشت و خرداد ۲۵۳۶ در مجله یغما نشر یافت، و اینک به همراه مقدمه‌ای، جداگانه انتشار می‌یابد.

نویسنده در مقدمه جزوه می‌نویسد: «اکنون اگر جامعه‌ای به حداقل بنیه فنی و علمی دست نیابد، نه تنها محکوم به مذلت خواهد بود. بلکه اندک اندک رو به افقراض خواهد نهاد. رشد سریع جمعیت، گرایش به شهر نشینی، افزایش توقع‌ها که زائیده زندگی صنعتی است و سیرابی خود را تنها در فراوانی تولید صنعتی می‌بیند، همه اینها موجب شده است که یک ملت، تنها با کارودانش خود بتواند بر سر پا بایستد؛ البته کارودانش هم کافی نیست، مقداری دانائی لازم است که بداند این کارودانش را در چه راهی به کار اندازد.»

در این مقدمه به امر آموزش در چهار دسته از کشورهای جهان اشاره شده است: صنعتی‌های پیشرفته، میانه‌حال‌ها، فقیرها، نودولت‌های دنیای سوم؛ و درباره این دسته اخیر می‌نویسد: «وضع کشورهایی

که بر منابع زیرزمینی سرشار تکیه دارند قدری حساس‌تر از کشور های دیگر است ، زیرا این خطر هست که بر اثر کسب درآمدی که متناسب با زحمتی که بر سر آن گذارده شده است ، نیست ، بخشی از مردم به جانب بی دردی و تبذیر سوق داده شوند ، و قسمتی از کشور تبدیل گردد به يك مضيف خانه بزرگ که ساکنانش بر سر سفره بنشینند و غذای آماده صرف کنند ، بی آنکه از خود پیرسند از کجا آمده ؛ و دل به کار دادن و جدی بودن و دقت و مسئولیت امری غیر معهود گرفته شود .

« ... این وضع جامعه را می برد به راهی که در آینده بهای غفلت خود را سخت گران پردازد ... »

نویسنده معتقد است که هر آموزشی باید « مبتنی بر آگاهی تاریخی » باشد ، و شش سؤال مطرح می کند که می گوید نباید این سؤال ها را از نظر دور داشت . سؤال ششم این است : « آیا این آموزش می داند که تربیت چه نوع انسانی مورد نظرش است ، و برای چه زمانی و چه مقصودی ؟ »

مختصری درباره نویسنده

محمد علی اسلامی ندوشن، در ندوشن یزد به دنیا آمد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و قسمتی از متوسطه در ندوشن و یزد به تهران سفر کرد و به ادامه تحصیلات در دبیرستان البرز و دانشکده حقوق دانشگاه تهران پرداخت، سپس راهی پاریس شد و در طول پنج سال اقامت در پاریس و لندن به اخذ دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد.

در بازگشت به ایران چند سال به عنوان قاضی در دادگستری خدمت کرد، سپس دادگستری را ترك گفت و به تدریس حقوق و ادبیات در بعضی از دانشگاهها و مدارس عالی، از جمله دانشگاه ملی، مدرسه عالی ادبیات، مدرسه عالی بازرگانی و مؤسسه علوم بانکی، پرداخت.

سرانجام در سال ۱۳۴۸ از طرف رئیس وقت دانشگاه تهران (پروفسور فضل الله رضا) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تالیفاتی که در زمینه ادبیات انتشار داده بود، جزو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت. اینك استاد تمام وقت دانشگاه تهران است. و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی، ادبیات تطبیقی، فردوسی و شاهنامه، شاهکارهای ادبیات جهان، در دانشکده ادبیات و تاریخ تمدن و فرهنگ ایران در دانشکده حقوق را برعهده دارد.

زندگی ادبی اسلامی ندوشن از سی سال پیش آغاز شده است. نخستین کتاب او مجموعه شعر گناه در سال ۱۳۲۸ انتشار یافت اما از بیست سال پیش به این سو دیگر شعری نسروده است. تاکنون نزدیک به ۲۰ جلد کتاب انتشار داده است. این کتابها در زمینه های مختلف ادبی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بوده است. برخی از کتابهای اسلامی ندوشن در دانشگاهها و مدارس

عالی مورد تدریس قرار گرفته و نمونه‌هایی از نوشته‌های او در کتاب‌های درسی مدارس (از دوره راهنمایی تا دانشگاه نقل) شده است.

اسلامی ندوشن از نویسندگانی است که بسیار سفر کرده است. او در حدود سی کشور دیده است، (علاوه بر سفر در داخل ایران). از جمله در داووده کشور میهمان رسمی بوده است که عبارت باشند از:

ایالات متحده آمریکا (به دعوت دانشگاه هاروارد و بار دیگر به دعوت

دانشگاه ویسکوتس)

اتحاد جماهیر شوروی (به دعوت آکادمی علوم شوروی)

هندوستان (به دعوت وزارت آموزش هند)

چین (به دعوت دانشگاه پکن)

پاکستان (به دعوت وزارت آموزش و بار دیگر به دعوت

دانشگاه کراچی)

افغانستان (به دعوت دانشگاه کابل)

ترکیه (به دعوت وزارت امور خارجه)

لهستان (به دعوت وزارت آموزش عالی لهستان)

ژاپن (به دعوت بنیاد ژاپن)

اردن (به دعوت دانشگاه اردن)

عراق (به دعوت دانشگاه بغداد)

انگلستان (به دعوت بریتیش کونسل)

و در این کشورها، در بیست و چند دانشگاه و مؤسسه فرهنگی، در زمینه ادبیات و فرهنگ و مسائل اجتماعی سخنرانی کرده است چون:

دانشگاه هاروارد، سوربن، دانشگاه کابل، دانشگاه آنکارا، دانشگاه

کراچی، دانشگاه سند، دانشگاه بلوچستان (پاکستان)، کالج دولتی لاهور، دانشگاه

اسلام آباد، دانشگاه جواهر لعل نهرو (دهلی)، دانشگاه دهلی، دانشگاه کشمیر،

دانشگاه قاهره، دانشگاه عین شمس (قاهره)، دانشگاه اردن، دانشگاه بغداد،

دانشگاه لنین گراد. انستیتو خاورشناسی شوروی (مسکو)، مؤسسه مطالعات شرقی

ژاپن (توکیو) ایراد انجمن زرتشتیان هند (انیستیتو، بمبئی)، مرکز بین‌المللی

هند (دهلی) مرکز مطالعات هندو (بنارس).

نام محمد علی اسلامی ندوشن سال‌هاست که از مرزهای ایران فراتر رفته

و در کشورهای دیگر، بخصوص در مجامع ایرانشناسی، نام شناخته شده‌ای

است. نوشته‌ها و کتاب‌هایی از او به چند زبان ترجمه گردیده و مقاله‌هایی درباره



اونوشته شده است. ترجمه بعضی از مقاله‌ها داستان‌های او به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی روسی اردو و عربی تشر شده است.

ترجمه کتاب «ابر زمانه وابر زلف» به زبان آلمانی در سال ۱۹۶۴ در آلمان نشر گردید. کتاب «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» اکنون به زبان فرانسه در دست ترجمه است.

هم چنین کتاب «در کشورشوراها» بوسیله دکتر یونس جعفری به زبان اردو و «ابر زمانه وابر زلف» بوسیله دکتر ابراهیم شتابه زبان عربی در کار ترجمه شدن است.

نوشته‌هایی از اسلامی ندوشن در بعضی از دانشگاه‌های خارج مورد تدریس است (از جمله مدرسه السنه شرقیه پاریس، مدرسه مطالعات شرقی دانشگاه لندن و چند دانشگاه امریکا) و بیوگرافی او در تعدادی از «شناخت نامه» های بین‌المللی whos'who وارد شده است، به این صورت:

1- Internatinal Authors And Writers' who' s Who.

2- Dictionary of International Biography

3- Men of Achievement. 4- Who's Who of -
Intellertuals. 5- Register of Profiles.

این شناخت نامه‌ها از جانب

International Biographical Centre
Cambridge 'England

نشر شده است.

کتاب‌های دیگر همین نویسنده :

انتشارات جاویدان

نوشته‌های بی‌سر نوشت

» »

يك رمان با نام مستعار

ترجمه‌ها :

پیروزی آینده دموکراسی (اثر توماس مان) امیر کبیر

ملال پاریس و گلهای بدی (شارل بودلر) بنگاه ترجمه و نشر کتاب

شور زندگی (ایروینگ استون) امیر کبیر

بهترین اشعار لانگفلو (بامتن انگلیسی) انتشارات سخن